

پیامدهای ازدواج مردان جوان با زنان مسن تر

نوشته: شاهرخ سلاح ورزی - جامعه شناس



خانه امن: از گذشته تا کنون آنچه که مقبول جامعه مرد سالار ایران بوده و هست این است که مرد چندسالی بزرگ تر از زن باشد. مرد ایرانی در بستری با خاصیت مردسالارانه - که در مواردی حتی توسط مادران اشاعه داده می شود- ریاست در خانه و محور بودن را تعریفی از نقش خود می داند. هرچند با گذشت زمان و تغییرات ساختار خانواده از گسترده به هسته ای و افزایش تحرك اجتماعي زنان و پیرنگ شدن معضلات اقتصادی ، معیارها و نقشهای اعضای خانواده در حال دگرگون شدن است ؛ اما با اینحال هنوز مساله مسن تر بودن زن از مرد از نظر بسیاری چندان پذیرفته شده نیست. در سالهای گذشته معیارهایی همچون توانایی زن در امور خانه داری و تولید مثل ، و رعایت تفاوت سنی و تایید ضمنی خانواده نقشی مهم در پیوند زناشویی داشتند ، ولی به نظر می رسد که این اولویتها در حال کمرنگ شدن هستند و معیارهایی که تا چند دهه پیش به عنوان عواملی تاثیر گذار مورد توجه نبودند بیشتر نمود پیدا کرده اند؛ امروزه عواملی چون تحصیلات آکادمیک زنان و میزان در آمد ماهیانه زن از محل کار و همچنین نحوه ارتباطات اجتماعی او؛ از معیارهای ازدواج جوانان طبقه متوسط محسوب می شود.

ولی همچنان در خانواده های سنتی که غالبا دارای ساختاری گسترده هستند رعایت اصولی از پیش تعیین شده برای ازدواج امری ضروریست ، که باید توسط مردان خانواده مورد توجه قرار گیرد. یکی از این اصول رعایت فاصله سنی با همسر است که با توجه به مقتضیات مورد تایید خانواده تعیین می شود. در این شیوه غالبا با توجه به اهمیت نقش محوری مرد در خانه که برگرفته از آموزه های دینی و سنتی است پیوند يك مرد با زنی مسن تر چندان مطلوب نیست و مورد تایید قرار نمی گیرد. و حتی در صورت ثبت این ازدواج گاه شاهد طرد این افراد از سوی خانواده هستیم .

اما گسترش شهرنشینی در ایران در دهه های گذشته و میل خانواده ها به تشکیل خانواده های هسته ای تا حدودی از اجبارهای فامیلی کاسته است و فرد در تعیین معیارهای ازدواج آزادی نسبی بیشتری بدست آورده و توانسته است خود را از کلیشه های رایج در انتخاب همسر برهاند. همچنین با حذف سقف تحصیلی برای دختران در بعضی از خانواده ها و توجه به اهمیت ارتقای علم و کسب موقعیت هایی برتر یا همسان با مردان برای زنان و حضور ملموس تر ایشان در جامعه شاهد تغییراتی در معیارهای ازدواج هستیم . آموختن علم و یافتن شغلی درخور در ایران راهی است برای کسب موفقیت و ارتقای جایگاه اجتماعی افراد. تاکید به حضور بیشتر زنان در جامعه در دوره پهلوی دوم و تاسیس دانشگاه آزاد و پیام نور در شهرهای بسیار کوچک پس از انقلاب و همچنین تاکید حکومت فعلی ایران به اسلامی شدن دانشگاهها، ناخواسته درهای جامعه و دانشگاه را به روی دختران خانواده های سنتی و شهرستانی گشود، و گروه عظیمی از دختران و زنان را که برحسب آموزه های دینی و سنتی باید خانه نشین می شدند به تحرك در جامعه واداشت ؛ یافتن شغل و کسب در آمد و بدست آوردن يك استقلال نسبی نتیجه تلاش های این زنان بود. این دستاوردها باعث شد تا زنان تعریف جدیدی از روابط بین زن و مرد را ارائه دهند و خود را از تفکرات سنتی رایج درخصوص توانایی های زن رها سازند.

از سوی دیگر سیاستگذاری های غلط اقتصادی و جمعیتی در دهه ابتدای انقلاب سبب شد تا شاهد جهش در تعداد موالید باشیم ؛ در دهه 60 ما دارای یک هرم سنی با قاعده وسیع بودیم و هرروز بر تعداد جمعیتمان افزوده می شد ؛ در طی سالهای 1359 تا 1368 جمعیت ایران رشد سالیانه ایی نزدیک به چهار درصد را تجربه کرد که این امر باعث افزایش بیش از پیش جمعیت جوان و جویای کار در سالهای کنونی شده است. (1) افزایش بی رویه جمعیت در سالهای ابتدای انقلاب ایران و عدم برنامه ریزی صحیح برای زیر ساختهای اقتصادی و ایجاد زمینه های اشتغال و پایین بودن رشد اقتصادی کشور و تورم های پی در پی سبب شد تا در دو دهه گذشته حضور در بازار کار رقابتی شود، در نتیجه این سیاست کسب مدرک برای بدست آوردن شغل امری حیاتی به شمار آمد به همین دلیل تعداد دانشجویان ایران در طی ده سال پنج برابر شد.

اما این هجوم و رقابت برای حضور در دانشگاه ها نیز بر دایره این معضل افزود به صورتی که جامعه را با سیل عظیمی از تحصیلکرده‌های پرتوقع و البته فاقد دانش و اندوخته لازم مواجه ساخت. بر اساس گزارش رسمی دولت در حال حاضر درصد بالایی بیکاران ایران را افرادی تشکیل می‌دهند که در دانشگاه تحصیل کرده اند ولی به دلیل پایین بودن سطح آموزشها عملاً فاقد مهارتهای لازم هستند و یا اینکه به دلیل عدم هماهنگی میان برنامه ریزان داخلی با دانشگاهها بسیاری از رشته های تحصیلی فاقد کارایی هستند و نیروی مورد نیاز در آن رشته سال هاست که اشیاع شده است. تعداد بسیاری از این بیکاران مردان جوانی هستند در آرزوی زندگی مقبول و به نسبت مرفه پس از طی دوران خدمت سربازی نتوانسته اند شغلی متناسب با خواسته های خود بیابند، قطعاً این مشکلات تأثیرات خود را بر روی نهاد خانواده گذاشته است. این افراد قبل از حضور در دانشگاه ها یا بازار کار انتظاراتی داشته اند و وقتی آماده ورود به زندگی مستقل می‌شوند انتظارات آنها با واقعیت‌های زندگی سازگار نیست در نتیجه دچار مشکلات فراوانی می‌شوند. در برابر معضلات اقتصادی یکی از راهکارهایی که تاکنون هم راهگشا بوده وهست ازدواج با کسانی است که خود دارای حقوق و شغل هستند و شاید بتوان گفت یکی از معیارهای امروزی مردان جوان ایرانی شاغل بودن همسر است تا بتواند با اتکا بر در آمد مالی همسرشان توازن مالی را در خانه برقرار نمایند. همسرانی که در مواردی جنبه مالیشان بر شرایط سنی آنها ارجحیت دارد و مردان جوان وقتی با آنان آشنا می‌شوند عامل سن را نادیده می‌گیرند و به منافع حاصل از این ازدواج فکر می‌کنند. البته برای خانمها هم دلایل متعددی وجود دارد تا به این ازدواجها راضی شوند یکی از این دلایل بالا رفتن سن ازدواج آنهاست و نبود موقعیت‌های دیگری برای ازدواج، نیت دیگر این زن ها برای قبول چنین ازدواجی، داشتن فرزند است.

به طور کلی ازدواج مردان جوان با زنان بزرگتر از خود را می‌توان در سه دسته خلاصه کرد:

ازدواج هایی است که غالباً در جوامع روستایی یا شهرهای کوچک به اجبار صورت می‌گیرد و خانواده با انتخاب زنی بزرگتر از پسر، او را مجبور به ازدواج می‌کنند. دوم ازدواج هایی بر پایه عشق و علاقه دو طرف است و در نهایت ازدواج هایی که در آن موقعیت اقتصادی زن بر شرایط سنی او ارجحیت دارد.

در ازدواجهایی که بر اساس جبر خانوادگی یا فشارهای اجتماعی صورت گرفته احتمالاً افزایش تعارض بین زن و مرد بسیار است. ازدواج با بیوه برادر در بسیاری از شهرهای کوچک و روستاها و حتی حاشیه شهرهای بزرگ همچنان مرسوم است در این شیوه ازدواج پس از مرگ برادر بزرگتر در صورتی که برادری مجرد حضور داشته باشد او موظف است در وهله اول با زن برادر بیوه خود که در اکثر موارد از او بزرگتر است ازدواج نماید(2)؛ در این خانواده بیشترین تنش در حوزه مدیریت است! چه کسی باید مدیر خانه باشد، مرد یا زن؟ در این جوامع مرد به دلیل جایگاه سنتی اش می‌خواهد اقتدار خود را اثبات کند و در نقش مدیری مقتدر در خانه حکمرانی کند ولی زن به علت بزرگتر بودن و داشتن فرزندان که شاید از لحاظ سنی به همسرش نزدیک باشند نمی‌تواند این نکته را تحمل کند و در نتیجه کانون خانواده دچار مشکل می‌شود. هرچند که در بسیاری از موارد، مرد به دلیل جایگاه سنتی اش برنده این موقعیت است.

از دیگر موارد ازدواجهای اجباری که در آن مساله سن بعد از اولویت های دیگر قرار دارد ازدواج در رسم خون بس است که در مواردی عروس خونی بزرگتر از داماد است. متأسفانه در تعاریفی که برای خون بس آمده غالباً به نقطه پایانی و نمایش عمومی عفو گناهکار توجه شده، در صورتی که در اکثر موارد دختر یا دخترانی از شخص خاصی یا اطرافیان نزدیک او باید به عنوان همسر یکی از طرفین مقابل به خانه بخت رود تا با باروری فرزندان جبران مافات کرده باشد! و باعث نزدیکی دو قوم شود. تحقیق در خصوص کیفیت زندگی این زنان که عروس خونی نامیده می‌شوند خود رساله‌ای دیگر می‌طلبد که متأسفانه امکان پرداخت به آن در این مجال امکان پذیر نیست.(3)

نقطه مقابل ازدواج با اجبار، ازدواجهای عاشقانه است در این نوع ازدواج، انگیزه زوج ها برای ازدواج با یکدیگر بسیار دخیل است. در این حالت غالباً تفاوت سنی چندانی بین مرد و زن نیست و هرچقدر فاصله و اختلاف سنی بین آنها کمتر باشد یقیناً درک آنها از یکدیگر بیشتر است؛ مساله بالاتر بودن سن زن در صورتی که اختلاف سنی فاحش نباشد و عشق و علاقه طرفین به همدیگر زیاد باشد مشکل ساز نخواهد شد، عشق و دوست داشتن و گذشت داشتن در زندگی تضمین کننده‌های یک ازدواج موفق هستند. بدین جهت می‌توان خانواده های زیادی را یافت که با بزرگ تر بودن زن از شوهر، زندگی هایی شاد و زیبا دارند. در برابر این ازدواجها هستند کسانی که صرفاً با انگیزه های اقتصادی با افرادی ازدواج می‌کنند که تفاوت سنی بسیار زیادی با آنها دارند؛ ازدواجی بدون پایه های عاطفی و شناخت که نبودن عامل علاقه در این نوع از ازدواج ها آنها را با شکست مواجه می‌کند. در این صورت نمی‌توان گفت شکست این زندگی تنها به خاطر بالا بودن سن یکی از دو زوج بوده است.

اما ازدواج هایی که در آن موقعیت اقتصادی زن بر شرایط سنی او ارجحیت دارد برخلاف دو دسته پیش در این روزها رو به افزایش گذاشته؛ براساس آمارهای سازمان ثبت احوال در سه ماه اول سال 91 تعداد 24 هزار و 967 زوج در حالی با هم پیمان زناشویی بستند که سن داماد کوچکتر از عروس بود. البته این موضوع فقط در سال 91 اتفاق نیفتاده، چون آمارهای سال 90 و پیش از آن نیز نشان می‌دهد که سال هاست ازدواج پسران با دختران مسن تر از خود در حال وقوع است ثبت احوال ایران در سال 90 میزان اینگونه ازدواجها را 56 هزار و 743 مورد اعلام کرده که البته بیشترین تعداد این ازدواجها مربوط به تفاوت‌های سنی یکسال است و هرچه بر اختلاف سنی افزوده شده از میزان ازدواج کاسته شده است.

همانطور که پیشتر اشاره شد مشکلات مالی و تورمی که در 10 سال گذشته گریبان مردم را گرفته باعث شده تا پسران در توانایی تقبل

مالی یک زندگی مشترک دچار مشکل باشند و به همین دلیل تصمیم می گیرند با دختری ازدواج کنند که دارای شغل و منابع مالی باشد حال در مواردی این انتخاب ها از خودشان مسن تر است ،اما در عوض همسرانشان دارای شغل و درآمد هستند و می شود هزینه های زندگی را با آنان تقسیم کرد.

اگر تفاوت سنی میان زن و مرد در نهایت سه تا چهار سال باشد، می توان امید داشت که زندگی آرامی در جریان باشد ؛ البته این مساله را نمی توان به همه تعمیم داد و به این معنا نیست که همه کسانی که چنین اختلاف سنی ای دارند، زندگی خوبی هم دارند. افرادی که در محدوده سنی نزدیک هم باشند، تجربه ها و خاطره های یکسانی دارند و پیش زمینه فرهنگی مشابهی برای درک کردن هم خواهند داشت. هرچه فاصله سنی زوجین کمتر باشد احتمال تفاهم آنان بیشتر است. چراکه دو نفر با تفاوت سنی زیاد در دو مرحله متفاوت از زندگی هستند و نیازها و خصوصیات آنها بالطبع متفاوت است. زنان و مردان با اختلاف سنی بالا از نظر جسمانی با هم هماهنگ نیستند پس وقتی مردان همسرانی 10 تا 20 سال بزرگتر می گیرند بعد از مدت کوتاهی این حس و علاقه از یک طرف کم رنگ می شود، فاصله سنی زیاد و از 10 سال به بالا به دلیل اینکه تفاوت زمانی و یک دهه فاصله زندگی کردن بین دو فرد وجود دارد، مشکلاتی برای هر دو زوج به وجود می آورد، مشکلاتی چون : عدم درک صحیح و متقابل، برآورده نشدن انتظارات دو طرف و بی حوصلگی فرد بزرگ تر.... زنی که چندسال بزرگ تر باشد، معمولاً انتظار دارد همسرش هم همانند او فکر کند و مسائل را چون او بسنجد ولی وقتی با چیزی غیر از این مواجه می شود، این فاصله را بیشتر درک می کند. روان شناس ها معتقدند زن ها زودتر از مردها نسبت به مسائل زندگی عاقل تر می شوند و درکشان از مسائل درون خانواده و زندگی عمیق تر است؛ بنابراین مسئولیت پذیرند و یا بیشتر در این زمینه ها فکر می کنند. حال اگر زنی چند سالی بزرگتر باشد، به طور ناخودآگاه انتظار دارد که مرد هم همانند او فکر کند و مسائل را بسنجد، برای همین زمانی که انتظارش برآورده نمی شود، این تصور تداعی می شود که مرد نسبت به خانه و خانواده بی مسئولیت است و در نهایت تنش فضای خانواده را پر می کند. مثلاً زنی که 15 سال و یا بیشتر از همسرش بزرگتر است، همواره همانند مادر یا خواهر بزرگتر با شوهرش برخورد می کند.

از سوی دیگر، مردی که با زن بزرگتر از خودش ازدواج می کند، ممکن است پس از چند سال زندگی، با پیر شدن بدن جسم زن، احساس ضرر کند و احتمالاً به فکر جدایی و یا ازدواج دوم بیفتد. البته این احتمال ها تنها مختص به زن هایی نیست که از شوهرانشان بزرگ ترند بلکه ممکن است در رابطه سایر زن ها با شوهرانشان نیز اتفاق بیفتد. متأسفانه در این ازدواجها هدف اصلی دوست داشتن و علاقه بین زن و مرد، تشکیل زندگی مشترک و یا داشتن هم صحبت نیست. در واقع در این ازدواجها هر شخصی به منافع خود فکر می کند ،این افراد به دلیل قصد و نیت خاصی که دارند، به سمت این نوع ازدواج می روند ؛ و سپس در ادامه در صورت بروز مشکل هم، جدایی راحت ترین راهی است که انتخاب می کنند و این یعنی افزایش آمار طلاق در ایران و مسایل بعدی آن. این افراد در ازدواج های این چنینی به این دلیل شکست می خورند که یادشان می رود روز نخست برای چه تصمیم گرفته اند و معیار انتخابشان چه بوده است؟

لازم بذکر است که نمی توان یک حکم کلی برای چنین مسئله ای در جامعه ایران صادر کرد؛ ذکر موارد بالا دلیل نمی شود که ما همیشه ازدواجهایی را که ممکن است زن از مرد سن بیشتری داشته باشد محکوم به شکست بدانیم ، بسیاری از این گونه ازدواجها سالهای سال دوام داشته و آرامش و احترام برآن حاکم بوده است، همان طور که شاهد شکست بسیاری نیز بوده ایم. توجه داشته باشیم که تفاوت سنی به تنهایی عامل شکست یا موفقیت يك ازدواج نیست بلکه عوارض و پیامدهایی که ممکن است از این اختلاف سنی ناشی شود، می تواند بر میزان تعامل و تفاهم حاکم بر این زندگی تأثیر گذار باشد.

همچنین همیشه در کنار تفاوت سنی زن و مرد، تفاوت های دیگری نظیر تفاوت فرهنگی، اقتصادی، تحصیلی و یا سطح درک طرفین نیز وجود داشته و سبب اختلاف شده که موجبات نسبت دادن این اختلافها رابه تفاوت سنی فراهم می آورد.

منابع:

1. فیلم " نامزدی " ساخته ناصرغلامرضایی ،فیلمی است که در خصوص این موضوع ساخته شده است

<https://www.youtube.com/watch?v=WINO6CE4-P8>

2. فیلم خون بس هم به معضلات این رسم در میان عشایر اشاره کرده

<https://www.youtube.com/watch?v=bOqSOxv-4ow>